لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

این رساله شکیات ... تصنیف ... [illegible]

[illegible]

وجعل الجنة مثواه بعد از تصحیح و توشیح و تزیین بحواشی فتاوی لجناب

مقدس القاب سید العلماء افقه الفقهاء وحید الدهر فرید العصر ...

امام زمان مجتهد العصر و الدوران افضل المصطفین مقتدی المحققین ...

الی عبد الله الحسین لازالت شموس افاداته بازغة و ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي ازاح ظلمات الشبهات والشكوك
والاوهام عن مناهج المسائل والاحكام بشريعة
سيد الانام وروايات اهل بيته الكرام صلوات
الله عليه وعليهم ما استنار نهار واد لهم ظلام

اما بعد چنین گوید خاک راه سالکان مسالک شرع مبین محمد باقر بن محمد تقی حشرهما الله تعالی
مع موالیهما الطیبین الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که چون نماز اشرف عبادات
و اعظم قربات ربانیه است و باین سبب شیطان علیه اللعنه در ابطال آن زیاده از سائر اوقات
و احوال سعی در شغل خاطر آدمی و اخلال حضور قلب که اهم شرائط و آداب نماز است

... بسبب کثرت وسواس شیطان شک و سهو و نسیان اکثر نماز گزارندگان
را عارض میشود و محتاج بدانستن مسائلی که متعلق بآن [illegible] میکردند
بسبب عدم علم بآنها نماز خود را در معرض بطلان و فساد [illegible]
[illegible] ظاهراً [illegible] قائل شده اند که باطل است نماز کسی که [illegible] ضروریه
شک و سهو را نداند هر چند شک و سهو در نماز او را عارض نشود لهذا [illegible]
برادران ایمانی ازین قلیل البضاعة التماس رساله نمودند که [illegible]
ضروریه شک و سهو بوده باشد و استدعا نمودند که بلغت فارسی در غایت
وضوح نوشته شود که نفعش اعم و فایده اش اتم بوده باشد اجابت مسئول
ایشانرا لازم دانسته از هادی گم گشتگان بوادی حیرت استدعای عصمت
از عوارض سهو و نسیان [illegible] نموده بسبیل استعجال با وجود [illegible] اشتغال بر وفق
ملتمس ایشان تحریر نمود و بر مقدمه و پنج فصل و خاتمه مرتب کرد اما مقدمه
پس در بیان اصطلاحی چند است که درین رساله در تحقیق آنها مذکور است بدان
ارشدک الله تعالی که در نماز آنچه در کار است رعایت آن چند قسم است زیرا که
یا داخل در نماز است یا خارج از نماز آنچه داخل در حقیقت نماز است یا رکن است
که زیادتی و نقصان آن عمداً و سهواً غالباً نماز باطل میشود یا واجبی است غیر
رکن که ترک آن از روی فراموشی نماز باطل نمی شود و آنچه خارج از حقیقت
نماز است یا شرط صحت نماز است مانند طهارت از حدث و خبث یا تمکن چند است

کند در نماز واجبست که آنها را ترک نماید مانند ترک سخن گفتن و تجانب [illegible]

[illegible] اخلال نمودن یا بعنوان علم و عمد است که دانسته بکند عالم با

[illegible] مسئله و عمد است که مسئله نداند و گمان کند که [illegible]

[illegible] یا بعنوان سهو است که از روی فراموشی [illegible]

[illegible] ست که تردد داشته باشد که آیا کرده است یا نکرده است [illegible]

[illegible] اشتباه [illegible] طرف راجح را ظن میگویند و طرف مرجوح را وهم میگویند

یا شک دارد باینمعنی که مترددست در فعل و ترک هیچ یک در نظر او رجحان ندارد

و احکام هر یک از اینها را بعون الهی در فصلی بیان می نمائیم و بدانکه چون احتیاط

در دین امریست مطلوب و مرغوب و بسیاری از مسائل خلاف بسیار است

و احادیث متعارضه نیز هست پس در هر مسئله که [illegible] حاصل بود و

و موافق مشهور میان علما بوده است غالباً متعرض احتیاط نشده ام و در جائیکه

تعارض اخبار یا اقوال مشهوره بوده اشاره به ظن خود یا احتیاط کرده ام که

کسی را از این رساله انتفاعی باشد و هر جا که بعنوان احتیاط مذکور شده است

و نیست آن باید که متعرض وجوب و ندب نشوند و بقصد قربت اکتفا نمایند و هر جا که

اقوی و اظهر گفته ام یا اظهار اتفاق و اجماع کرده ام بقصد وجوب کردن بهتر است

فصل اول در بیان خللی است که از روی عمد واقع شود بدانکه علما اتفاق و اجماع کرده اند

برانکه هر که عمداً یکی از واجبات نماز را ترک کند خواه شرط باشد خواه جزو خواه فعل باشد

... که ... نماز او باطل است و در وقت اعاده و در خارج وقت قضا باید کرد
اما در بعضی از خصوصیات خلاف کرده اند چنانچه بعضی از علما گفته اند
که دست راست بر دست چپ گذاشتن را حرام میدانند و مبطل نماز ... و بعضی از
... کرده اند بلکه هر چه عمدا مبطل نماز است اگر ... ضرورت
... نماز او باطل است اگر بلند خواندن آهسته خواندن را ... لهذا ... ترک
تمام کردن اینها اگر از روی نادانی باشد نماز باطل ... اگر ...
نیز در چند موضع خلاف کرده اند چنانچه بعضی گفته اند که اگر کسی جاهل باشد
به حرمت پوشیدن چیزی در نماز که پشت پا را بپوشاند و ساق نداشته باشد و در
چنین چیزی نماز کند نماز او صحیح است و نزد فقیر اصل حرمت آن معلوم نیست
و ثابت نشده و همچنین گفته اند که اگر کسی تازه شیعه شده باشد و بنادانی چیزی
که خوردنی و یا پوشیدنی نیست سجده کند نماز او باطل نمیشود و مشهور وجوب
اعاده است و از کلام شیخ طوسی رحمه الله در بعضی از کتب و ظاهر میشود که کسی از روی
جهل مسئله بعد از سلام نه در موقع واقع کرده که نمازش تمام نشده است سخن گوید
نمازش باطل نمیشود و مشهور و احوط اعاده است و اگر کسی نداند که مکان یا جامه که
در آن نماز کرده است یا آبی که با آن وضو یا غسل کرده است یا خاکی که با آن تیمم کرده است
غصبی بوده است آخر ظاهر شود نماز او صحیح است و در این مسئله خلافی بنظر نرسیده است
و اگر فراموش کرده باشد غصبی بودن آنها را خلاف است بعضی گفته اند که مطلقا

اعاده میکنند و بعضی گفته اند که در وقت اعاده میکنند نه در خارج وقت
و بعضی گفته اند که مطلقا اعاده نمی کنند و این قول اقوی است و اگر نجاست بدن
یا جامه [illegible] معلوم نباشد و بعد از نماز معلوم شود نماز صحیح است
و بعضی گفته اند که در وقت اعاده می کنند و کسی که نجاست [illegible]
کرده باشد مشهور آنست که در وقت اعاده می کنند و در خارج [illegible]
[illegible] گفته اند که مطلقا اعاده می کنند و بعضی گفته اند
که در هیچ یک اعاده واجب نیست و مسئله در غایت اشکال است اگرچه
که اعاده مطلقا خصوصا در خارج وقت محمول بر استحباب باشد و احوط آن
که اعاده می کند مطلقا و همچنین اگر کسی گمان نجاست کند و تفحص نکند و آخر معلوم شود
که نجاست بود و هست یا شستن جامه را بدیگری گذارد و آخر معلوم شود که از آن
نجاست [illegible] نشده است احوط آنست که نماز را اعاده کند و اگر نداند که پوست
[illegible] نماز کند و در آن بعد از آن معلوم شود که آن پوست میته بوده است
نماز صحیح است اگر آن پوست را از دست مسلمان گرفته باشد یا در بلاد اسلام از دست
مجهولی گرفته باشد و اگر از دست کافر گرفته باشد یا در بلاد کفر از دست مجهولی گرفته باشد
نماز او باطل است و مشهور میان علما آنست که اگر در بلاد اسلام از زمین برداشته باشد
حکم دارد و احوط عمل باین قول است هرچند از احادیث خلاف آن ظاهر می شود و ظاهر مراد
از بلاد مسلمانان بلادی است که غالب اکثر اهل آن مسلمانان باشند نه در بلادی که حکم

مسلمانان و در اجابت نباشد هرچند اکثر آن کافر باشند مانند اکثر بلاد هندوستان و

اکثر اصحاب تصریح باین کرده اند و احوط آنست که نماز نکنند [illegible] که اند

و اگر از جنسی است که نماز در ان نمی توان کرد اگر کرده باشد نماز [illegible] قضا

[illegible] داشته باشد چنانچه بعضی از علما گفته اند اگرچه اظهر [illegible] با علم

نداشته باشد که از جنسی است که در ان نماز نمی توان کرد نماز او صحیح باشد و اگر از روی فراموشی

جامه نماز کند که در ان نماز نمی توان کرد ظاهر انست نماز او صحیح باشد [illegible] جهل

مسئله در ان نماز کرده باشد نماز او صحیح است و اظهر آنست که هر که از ترک شرایط نماز

که از روی جهل یا مسئله ندانستن ترک شود نماز او صحیح است مگر طهارت و قبله که اگر

یا غسل نماز کرده باشد نماز را در وقت و در خارج وقت اعاده و قضا می کنند اتفاقا

و در باب کسی که از روی جهل مسئله یا فراموشی بغیر قبله نماز کرده باشد خلاف است

و احوط اعاده است خصوصا در وقت و وجوب اعاده در وقت خالی از قوتی نیست

سایر شرایط و ترک اگر اخلال نماید احوط آنست که هر وقت اعاده کنند هر چند عدم وجوب اعاده

اقوی است و در چند موضع علما بخصوص متعرض شده اند یکی آنکه با عدم جهل یا فراموشی در اثنای

نماز عورتش مکشوف باشد و نماز کند ابن جنید گفته است که در وقت اعاده می کنند و در خارج وقت اعاده نمی کنند

و شهید رحمه الله علیه گفته است که اگر در تمام نماز عورتش باز بوده باشد نماز را اعاده می کنند

و اگر در بعضی از نماز باز بوده باشد اعاده در کار نیست و اشهر و اقوی آنست که مطلقا

اعاده در کار نیست چنانچه صحیح بر ان دلالت کرده است و دیگر [illegible] موضع

[illegible] نیست فصل دوم در احکام سهو است بدان وفقک الله تعالی که اگر
[illegible] نیت نماز [illegible] کند تا تکبیر احرام بگوید یعنی در اصل در خاطر او نباشد که نماز
میکند [illegible] میکند نه آنکه بلفظ نگفته باشد یا الفاظ [illegible]
و این معانی در خاطر او باشد زیرا که نیت [illegible] در خاطر [illegible]
و اگر [illegible] را در حال نیت فراموش کرده باشد جمعی از علما گفته اند که [illegible]
[illegible] مستثنی به عدم تحقق نیت است و لیکن احوط اعاده است
و همچنین اگر استادن را در حالت تکبیر احرام فراموش کند مشهور میان علما
که نمازش باطل است و احوط عمل باین قول است و اگر تکبیر احرام فراموش کند نمازش
باطل است و هر وقت که بخاطرش بیاید می باید که نماز را از سر گیرد و همچنین اگر دو تکبیرة الاحرام
بگوید از روی فراموشی نماز او باطل است موافق مشهور و احوط آنست که [illegible]
آورد و نماز را از سر گیرد و اگر کسی رکوع را فراموش کند تا پیشانی را بموضع سجود
نگذاشته است برمیگردد و درست است موافق مشهور و به رکوع میرود و اگر
پیشانی را گذاشته است هر چند بر چیزی باشد که سجده بر آن توان کرد نمازش باطل است
و از سر میگیرد و بعضی گفته اند که اگر در دو رکعت آخر باشد هر چند هر دو سجده را هم کرده باشد
برمیخیزد و رکوع را بجا می آورد و آن سجده ها را اعاده [illegible] کند و نماز را تمام [illegible]
مطلقا باین قایل شده اند خواه در دو رکعت اول خواه در دو رکعت تالی [illegible]
در نماز صبح و شام و خواه در چهار رکعتی و اگر کسی باین قول عمل کرده نماز را اعاده کند

احوط باشد و چنان مشهور اقوی است و اگر کسی هر دو سجده را فراموش کرده باشد
تا آنکه در رکعتی که بعد از آن است به رکوع رفته باشد نمازش باطل است بنا بر مشهور
اقوی و اگر پیش از رکوع بخاطرش آید برمیگردد و سجده ها را بجای می آورد و نماز را تمام میکند
و بعد از نماز احتیاطا دو سجده سهو میکند و چون بعضی در این صورت قائل به بطلان نماز
شده اند اگر اعاده نیز بکند شاید بهتر باشد و اگر کسی سهوا در یک رکعت دو رکوع بجا آورد
نمازش باطل است اجماعا مگر در یک صورت که شک کند در رکوع در حالتی که ایستاده است
و باز به رکوع رود و هنوز سر برنداشته باشد بخاطرش آید که پیشتر رکوع کرده بوده است
که در این صورت خلاف است اشهر و اقوی آنست که نمازش باطل است و بعضی گفته اند که از
رکوع برمیدارد و به سجده میرود و نمازش صحیح است و اگر چنین کند و نماز را اتمام کند و باز
اعاده کند احوط است و اگر کسی سهوا در یک رکعت چهار سجده بجا آورد نمازش باطل است مشهور
اجماعا و این قاعده در نماز جماعت جاری نیست نسبت به ماموم زیرا که اگر ماموم از روی
فراموشی پیش از پیش نماز سر به رکوع یا سجده برود برمیگردد و با پیش نماز [illegible]
از روی فراموشی یا بگمان آنکه پیش نماز سر برداشته است سر بردارد و بعد معلوم
کند پیش نماز هنوز سر برنداشته است برمیگردد و با پیش نماز سر برمیدارد و باز زیادتی
رکوع در این دو صورت باعث بطلان نماز او نمیشود و اگر عمدا پیشتر برود و یا پیشتر سر
بردارد مشهور آنست که برنگردد و نمازش صحیح است و اگر چنین کند و نماز را اعاده بکند بهتر
در این صورت احوط است و اگر کسی یک رکعت بر نماز زیاده کند سهوا نمازش باطل است موافق

... علیه الرحمه فرموده بعد عمل بر قول مشهور احتیاط باعاده نماز لازم است ۱۲ ح دام ظله

اشهر و اقوی و بعضی از علما گفته اند که اگر بقدر تشهد در نماز چهار رکعتی بعد از
چهار رکعت نشسته نمازش صحیح است و بعضی گفته اند که اگر تشهد خوانده است نمازش
صحیح است و بعضی در غیر نماز چهار رکعتی نیز چنین گفته اند و احوط اعاده است مطلقا خواه بعد از
سجده [illegible] هیچ بخاطرش آید و خواه میان رکعتها و خواه میان رکوع و سجده ها
و اگر پیش از رفتن به رکوع بخاطرش آید می نشیند و تشهد را نخوانده بود بخواند و سلام
میگوید و احتیاطا سجده سهو میکند و نمازش صحیح است و اگر کسی یک رکعت یا زیاده فراموش
کرده باشد و پیش از سلام بعد از تشهد یا پیش از تشهد بخاطرش آید نماز را
تمام میکند صحیح است اتفاقا برای یاد تشهد اگر خوانده است احتیاطا دو سجده سهو
میکند و اگر بعد از سلام بخاطرش آید که یک رکعت یا زیاده را از نماز کم کرده است خواه
فعلی که منافی [illegible] بیاورده باشد آن نماز را تمام میکند و احتیاطا دو سجده سهو برای
سلام بیموقع و اگر تشهد بیموقع خوانده باشد برای آن نیز دو سجده سهو احتیاطا میکند
و نمازش صحیح است خواه دو رکعتی باشد خواه سه رکعتی و خواه چهار رکعتی و اگر
بخاطرش آید که فعلی از وی صادر شده باشد که اگر عمدا کرده شود در نماز بسبب آن نماز باطل
میشود و اگر سهوا کرده شود نماز باطل نمی شود مانند سخن گفتن و قهقهه کردن و پشت بقبله کردن
بنابر قولی پس خلاف است میان علما و اشهر و اقوی آنست که نمازش صحیح است و آنچه
کرده است بجا می آورد و اگر سخن گفته باشد بدو حرف یا زیاده یا بیک حرف تمام الفایده
دو سجده سهو میکند و بعضی گفته اند که نمازش باطل است و بعضی گفته اند که در غیر چهار رکعتی

باطل است و هر چهار رکعتی صحیح است و احوط اعاده است خصوصا در غیر چهار رکعتی
اگرچه اظهر آنست که در کار نیست و اگر وقتی بخاطر [illegible] که در
آن باعث بطلان صلوة میشود عمدا و سهوا مانند حدث یا فعل کثیر مانی آنست که قبله گرد
بنا بر مشهور پس اشهر و اقوی آنست که نماز باطل می شود و ازین باب [illegible]
نقل کرده اند که او گفته است که در خصوص [illegible] نیز فعلها را تمام می کند و صحیح است و اگر
چنین کند و بعد از ان اعاده کند شاید احوط باشد و اگر کسی سلام را فراموش کند و بعد
از فعلی که عمدا مبطل نماز است بجا آورد نمازش صحیح است و اگر بعد از فعلی که عمدا و سهوا
مبطل نماز است بخاطر آورد مشهور میان علما آنست که نمازش باطل است و ظاهر آنست
که باطل نمی شود و احوط عمل بمشهور است و اگر تشهد را فراموش کند و بعد از فارغ
از سجده حدثی از وصادر شود اشهر و احوط بطلان صلوة است بعضی گفته اند که
نماز او باطل نمی شود و وضو میسازد و تشهد را بجا می آورد و این قول بحسب احادیث خالی از قوت
نیست و احتیاط آنست که چنین کند و اعاده نیز بکند و اگر در اثنای نمازش تمام کردن سجده یا
رکعت آخر حدثی از و سهوا یا بی اختیار صادر شود مشهور آنست که نمازش باطل است و اگر وضو بسازد
و نماز را تمام کند و اعاده کند احوط است و اگر کسی داند که دو سجده در نماز ترک کرده
و نداند که این دو سجده از یک رکعت بوده است که نمازش باطل باشد یا از دو رکعت
بوده است که نمازش صحیح باشد مشهور آنست که نمازش باطل است و احوط آنست
که دو سجده را یا چهار سجده سهو بجا می آورد و نماز را اعاده نیز بکند و اگر خلل کند

کرده باشد بفعلی از افعال نماز که رکن نبوده باشد پس سه قسم است ... اول آنکه
تمام میکند و احتیاج بتدارک ندارد دوم آنست که تدارک دارد و احتیاج ... نیست
سوم آنست که هم تدارک دارد و هم سجده سهو اما قسم اول پس اگر کسی قرائت یا حمد تنها
یا سوره تنها یا بلند خواندن و آهسته خواندن قرائت را از روی فراموشی ترک کند و بعد
از رکوع کردن بخاطرش آید نمازش صحیح است و تدارکی برای او لازم نیست اگر حمد ...
رکعت اول فراموش کرده باشد در هر دو رکعت تعیین نیست بر حمد خواندن ...
و ... پس نمازش صحیح است ... تدارک ... ذکر رکوع و یا درنگ کردن بقدر ذکر
فراموش کند و بعد از سر برداشتن از رکوع بیادش آید یا سر برداشتن از رکوع را
فراموش کند یا قرار گرفتن بعد از سر برداشتن را و بعد از رفتن به سجده بخاطرش آید
یا ذکر سجده اول یا قرار گرفتن بقدر ذکر یا بعض اعضای غیر پیشانی را بر زمین گذاشتن
فراموش کند و بعد از سر برداشتن بخاطرش آید یا نشستن بعد از سر برداشتن از سجده
اول را یا درنگ کردن در آن را فراموش ... [illegible] ... که سجده دوم ...
یا قرار گرفتن در آن یا سجده کردن ... را فراموش کند و بیادش نیاید
تا سر از سجده بردارد و که در همه این ... نماز او صحیح است و اگر در همه احتیاطا دو سجده
سهو بکند برای خروج از خلاف شاید بد نباشد قسم دوم پس اگر کسی قرائت را
یا خصوص حمد یا سوره را یا بعضی از حمد و سوره را اگر چه یک آیه باشد یا کمتر فراموش کند
و پیش از رکوع بخاطرش برسد ... آنچه ترک کرده ... بعمل می آورد و ما بعد آن را

هرچند شروع بقنوت کرده باشند و هرچند شروع برفتن برکوع کرده باشند چون
بحد رکوع نرسیده باشد و اما بلند خواندن قرائت و آهسته خواندن [illegible]
خلاف است که آیا پیش از رکوع تدارک میکند [illegible] ظاهر آنست که تدارک نمی کند [illegible]
صحیح است و اگر ذکر رکوع را فراموش کند و پیش از آنکه از حد رکوع بدر رود [illegible]
آید یا سر برداشتن از رکوع را یا درنگ کردن را بعد سر برداشتن فراموش کند
و پیش از سجود بیادش آید بر میگردد و بعمل می آورد و در فراموشی کردن درنگ بر
در راست ایستادن و اندکی توقف میکند و بسجده میرود و اگر ذکر سجود اول یا سجود
دوم یا [illegible] عضو غیر پیشانی را یا درنگ در سجود بقدر ذکر را فراموش کند و پیش از سر برداشتن
از سجود اول بیاد آرد تدارک میکند و همچنین اگر درست نشستن بعد از سجود اول را
یا درنگ کردن در نشستن را فراموش کند و پیش از آنکه سر بسجده دوم گذارد بیادش آید
تدارک میکند و همچنین اگر ذکر در سجده دوم یا درنگ در آنرا یا گذاشتن یکی از اعضای سجود
غیر پیشانی را بر زمین فراموش کند و پیش از سر برداشتن [illegible] بیادش آید [illegible] فراموش کرده است
بعمل می آورد و اگر یک سجده یا تشهد را فراموش کند و پیش از رکوع بخاطرش آید
برمیگردد و آن سجده یا تشهد را بجا می آورد و برمیخیزد و قرائت را از سر میگیرد
اگرچه قرائت کرده باشد و نمازش صحیح است و اگر بعد از ایستادن بیادش
آمده باشد بعد از نماز احتیاطاً دو سجده سهو میکند و در صورتیکه سجده را فراموش
کرده باشد اگر بعد از سر برداشتن از سجده اول نشسته باشد و طمأنینه [illegible] را

بتعمد و [illegible] آورده باشد و بعد از آن از سجده غافل شده باشد و [illegible]

[illegible] بعد از استادن بخاطرش آید تا [illegible] باشد [illegible] کند نشستن و [illegible] گرفتن [illegible]

[illegible] و اگر فصل نشستن [illegible] و [illegible] سجده است اول می و [illegible] نشسته باز [illegible]

در یک [illegible] و بعد از آن سجده [illegible] و اگر نشسته در یک کرده است اما [illegible] واجب بلکه

تعمد جلسه استراحت که بعد از سجده دوم است در صورت میان علما خلاف است

و خالی از اشکال نیست دور نیست که اگر واقع سازد بقصد احتیاط بنا شد و شاید

اگر اعاده [illegible] احوط باشد و بعد از استادن پیش از رکوع جزم کند که یک سجده

از فوت شده است و در سجده دیگر شک کند از برای آن که جزم دارد که نکرده است

بجا می آورد و در سجده که شک دارد اشکال است و اظهر آنست که بنا بگذارد و اگر

[illegible] نماز را اعاده کند شاید احوط باشد اما قسم سوم پس اگر یک سجده را

با تشهد فراموش کند و بعد از رکوع بخاطر آورد مشهور میان علما آنست که آن سجده

و تشهد را بجا می آورد [illegible] و از برای هر یک دو سجده سهو می کند و ظاهر احادیث آنست

که در فراموش کردن سجده بهمان سجده فراموش کرده اکتفا می کند و دو سجده سهو کار است

و در فراموش کردن تشهد دو سجده سهو می کند و همان تشهد که در سجده سهو میخواند کافی است

و احتیاج به تشهد دیگر بنای قضا نیست و احوط عمل بمشهور است موافق مشهور سجده

و تشهد فراموش شده را پیش از دو سجده سهو می کند و ظاهر اگر قصد ادا و قضا نکند

و بنیت نکند در خاطر بگذارد که بجا می آورم سجده را که در نماز ظهر مثلا فراموش

کرده ام از جهت آنکه واجب است قربة الی الله و در تشهد نیز چنین [illegible]
[illegible] السلام [illegible] آنکه این احکام که گفته شد احکام [illegible] برای [illegible] نماز و تشهد [illegible]
و با سجده های [illegible] حرف پیش [illegible] فراموش کرده باشد و پیش از سلام [illegible]
بخاطرش آید آنها را بعمل می آورد و تشهد را از سر میگیرد و نمازش صحیح است و
اگر شروع به تشهد کرده باشد و سجده [illegible] سجده سهو [illegible] رعایت بعضی از اقوال
احوط باشد و اگر بعد از سلام بخاطرش آید که دو سجده باشد نمازش باطل است
موافق مشهور و اگر یک سجده باشد بجا آورد و نمازش صحیح است و اگر تشهد را
فراموش کرده باشد و پیش از سلام بخاطرش آید باین نحو که تشهد و سلام
هر دو را فراموش کند بعد از سجده و پیش از آنکه مبطلی بعمل آورد بخاطرش آید
هر دو را بعمل می آورد و نمازش صحیح است و اگر بعد از سلام بخاطرش آید تشهد را
سهو می آورد و نمازش صحیح است و بعضی در اینجا نیز بوجوب سجده سهو قائل
شده اند و احوط است اگرچه دلیلی ندارد و اگر [illegible] تشهد
فراموش کرده حدثی از او صادر شود مشهور آنست که نمازش صحیح است
و وضو میسازد و رو بقبله می نشیند و تشهد را بجا می آورد و اگر [illegible]
اعاده نیز بکند برای رعایت بعضی از اقوال بد نیست و اگر صلوات بر محمد
و آل او را در تشهد فراموش کند و بعد از نماز بخاطرش آید احوط آنست که بجا آورد
و بدانکه مشهور میان علما آنست که فعلی که فوت شده است که باعث سجده سهو شده است

اول از ابتدا بجا میکرد و بعد از آن سجده سهو را و اگر چند فعل باشد اول فعلها را
بترتیب ... بعد از آن ... فعلها سجده های سهو را نیز
بترتیب بعمل آورد و سجده ... آنهاست اگر چه ... است و بدانکه بعضی از علما
قایل شده‌اند که اگر در دو رکعت اول یک سجده را فراموش کند و بعد از ... وجه
... بجا آورد نمازش باطل است و قول مشهور که فرقی میان دو رکعت اول و آخر نیست و اقوی است

و اگر در این صورت بعد از تمام کردن نماز و بجا آوردن سجود و دو سجده سهو اعاده
نماز نیز بکند احوط است **فصل سوم در احکام شک است** بدانکه شک یا در عدد
رکعتهای نماز است یا در افعال نماز اگر در عدد رکعتهای نماز باشد اگر شک در نماز
دو رکعتی باشد مانند نماز صبح و جمعه یا در نماز سه رکعتی باشد مانند نماز شام
یا در دو رکعت اول از نماز چهار رکعتی باشد مشهور و اقوی آنست که نمازش باطل است
و از سر میگیرد و همچنین اگر شک در عدد ... نداند که یک رکعت کرده است یا دو
یا سه یا چهار رکعت را نیز نداند که تمام کرده ... نمازش باطل است و نماز آفتاب
ماه گرفتن و زلزله و آیات نیز حکم نماز دو رکعتی دارد و اگر شک در عدد رکعتها باشد
و اگر در عدد رکوعها شک کند بنا بر کمتر میگذارد و تمام میکند بنا بر مشهور و اقوی
و اگر در نماز چهار رکعتی یقین بتحقیق دو رکعت داشته باشد و در زیادتی شک کند
صور مشهوره آن که ضرور است دانستن آن پنج است و چهار صورت از فرضهای
نادر با آنها ضم نموده نه صورت ببیان میکنیم که شاید در ضمن آنها حکم همه صور

محتمله معلوم شود اول آنکه شک کند میان دو و سه پس اگر پیش از رفتن بسجده
دوم باشد نمازش باطل است و اگر بعد از سر برداشتن از سجده دوم باشد
واقع شده است که بنا بر سه میگذارد و یک رکعت دیگر بجا میآورد و تشهد و سلام میگوید
و دو رکعت نماز نشسته میکند که اگر سه باشد چهار شود و اگر گفته اند که یک
رکعت ایستاده بعوض دو رکعت نشسته کافی است و احوط آنست که دو رکعت
نشسته بکند و اگر شک بعد از رفتن بسجود و پیش از سر برداشتن باشد خواه ذکر
گفته باشد و خواه نگفته باشد احوط آنست که بهمان نحو تمام کند و نماز احتیاطا
[illegible] دوباره بکند دوم آنست که شک کند میان سه و چهار خواه پیش از رکوع
باشد و خواه بعد از رکوع و پیش از سجدها و خواه بعد از سجدها بنا بر چهار میگذارد
و نماز را تمام میکند و دو رکعت نشسته میکند یا یک رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته
احوط است سوم آنست که شک کند میان دو و چهار اگر پیش از رفتن بسجده دوم
باشد نمازش باطل است و اگر بعد از سر برداشتن از سجده دوم باشد ظاهر آنست
که نمازش صحیح است و بنا بر چهار میگذارد و نماز را تمام میکند و دو رکعت نماز
ایستاده میکند که اگر دو باشد چهار شود و اگر پیش از سر برداشتن از سجده دوم
شک کند احوط آنست که چنین کند و نماز را اعاده نیز بکند چهارم آنست که شک
کند میان دو و سه و چهار پس اگر پیش از رفتن بسجده دوم است نمازش باطل است
و اگر بعد از سر برداشتن از سجده دوم است بنا بر چهار می گذارد و تشهد میخواند و سلام

[illegible]

۱۸

و سلام ... دو رکعت نماز ایستاده می کنیم و سلام می گوید و دو رکعت نماز نشسته

کند ... و اگر بعد از ... رکعت ... شک را کند باز بنا بر چهار می گذارد

و این رکعت ... بر چهارم ... می نشیند ... یک رکعت ... میخواند و سلام می

دهد و باز دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته می کند و احتیاطاً ... بلکه

و اگر بعد از رفتن بسجده دوم و پیش از سر برداشتن باشد احوط آنست که چنین کند

... سجده سهو و اعاده نیز بکند پنجم آنست که شک کند میان چهار و پنج پس آن

صورت دارد اول آنکه وقتیکه ایستاده است خواه شروع بقرائت کرده باشد

و خواه نکرده باشد شک کند که این رکعت که در آن ایستاده است چهارم

یا پنجم پس می نشیند و اگر تشهد نخوانده است میخواند و سلام می گوید و دو رکعت نماز

نشسته ... احتیاطاً و دو سجده سهو نیز می کند دوم آنکه بعد از تمام کردن

سجده ها شک کند که این رکعت که تمام کردم چهارم بود یا پنجم نمازش صحیح است

و تشهد خواند سلام می گوید و دو سجده سهو بجا می آورد و وجه ... سوم

آنکه بعد از رفتن برکوع و پیش از تمام کردن سجده ها شک کند در این صورت

خلاف است بعضی قائل شده اند که نمازش باطل است و ظاهر اگر تمام کند این

رکعت را و دو سجده سهو کند کافی باشد و اگر با این اعاده نیز بکند احوط است ششم

آنست که شک کند میان چهار و زیاده از پنج مثل چهار و شش یا چهار و هفت

در این صورت مشهور میان علما آنست که نمازش باطل است و بعضی این را

ماتند شک میان چهار و پنج میدانند در احکامی که گذشت اگر عمل باینها بکنند و نماز را
اعاده کنند احوط است و همچنین اگر شک میان چهار و شش باشد
که چنین کنند که تمام نماز کنند با سجده سهو و اعاده نیز بکنند هشتم آنست که اگر شک میان
چهار و پنج شکهای دیگر ضم شود مثل آنکه شک کند میان سه و چهار و پنج پس اگر پیش از رکوع باشد
برمیگردد بشک میان دو و سه و چهار چنانچه سابقا مذکور شد و اگر بعد از رکوع باشد
اگر تمام کند دو رکعت نماز احتیاط نشسته و دو سجده سهو بکند ظاهر مجزی باشد
و اگر اعاده نیز بکند احوط است و همچنین اگر شک کند میان دو و سه و چهار و پنج لکن
پیش از تمام کردن سجده هاست نمازش باطل است و اگر بعد از تمام سجده ها باشد
دو رکعت نماز ایستاده و دو رکعت نماز نشسته و دو سجده سهو بکند و احتیاطا اعاده بکند
و اگر شک میان دو و چهار و پنج بوده باشد اگر پیش از تمام کردن سجده هاست نمازش باطل است
و بعد از تمام کردن سجده باشد بنا بر چهار بگذارد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بکند
و دو سجده سهو بکند و احتیاطا اعاده نیز بکند نهم آنست که احتمال چهار در شک او
داخل نباشد مثل آنکه شک کند میان سه و پنج یا دو و پنج یا دو و سه و پنج یا سه و شش یا دو و شش
و همچنین احتمالات دیگر بسیار زیاده کم باشد و احتمال چهار در آنها داخل نباشد پس مشهور میان علما
که نماز باطل است و شهید رحمه الله احتمال داده است که بنا بر کمتر بگذارد و نماز را تمام کند اگر
چنین کند و دو سجده سهو بکند و نماز را نیز اعاده کند شاید احوط باشد دهم آنست که شک میان
احتمالات زیاده باشد و احتمال نقص نباشد مثل آنکه شک کند میان

ششم پس اگر پیش از رکوع است بر میگردد و بشک میان چهار و پنج پس
[illegible] میکند و دو سجده سهو میکند و اگر بعد از رکوع یا
اگر در رکعت چهارم بقدر تشهد نشسته [illegible] نمازش باطل است و اگر نشسته
احوط آنست که تشهد و سلام بگوید و اعاده نیز بکند چنانچه گذشت و اگر شک
میان پنج و هفت یا پنج و هشت یا زیاده بوده باشد اگر پیش از رکوع
باشد مشهور آنست که باطل است و احوط آنست که بنشیند و تشهد بخواند
و سلام بگوید و دو سجده سهو بکند و نماز را نیز اعاده بکند و اگر بعد از رکوع
باشد اگر در رکعت چهارم بقدر تشهد نشسته است احوط آنست که سلام بگوید
و اعاده نماز نیز بکند و اگر نشسته است نمازش باطل است و احکام صورتهای
هفتم از آنچه گفتم ظاهر میشود و بعد از تامل اما شک در افعال نماز پس اگر
شک کند که از محل فعلی که در آن شک کرده است گذشته باشد و داخل فعل دیگر
شده باشد [illegible] و اگر محل آن فعل بوده باشد آنرا بجا
می آورد و نمازش صحیح است خواه شک در دو رکعت اول باشد و خواه
در دو رکعت آخر و خواه رکن باشد و خواه واجب دیگر و چون بعضی از علما
قائل شده اند که هر شکی که در دو رکعت اول واقع شود نماز با آن باطل میشود
احوط در این صورت آنست که عمل کند بمقتضای شک و اعاده نیز بکند خصوصا
در صورتیکه شک تعلق برکن در رکعت اول گرفته باشد پس اگر کسی شک کند در

بعد از آنکه تکبیر احرام گفته باشد اعتبار ندارد و همچنین اگر شک کند در تکبیر احرام بعد
از آنکه شروع بقرائت حمد کرده باشد اعتبار ندارد و اگر شک کند در قرائت حمد بعد
از آنکه شروع بسوره کرده باشد محل خلاف است و اظهر آنست که ملتفت نشود و احوط
که در این صورت اعاده نماز نیز بکند و اگر شک کند در قرائت بعد از شروع
در قنوت محل خلاف است و اقوی آنست که ملتفت نشود و همچنین اگر شک کند در
قرائت و بعد از آنکه شروع در خم شدن کرده باشد و هنوز بحد رکوع نرسیده باشد
اظهر آنست که اعتبار ندارد و احوط آنست که تمام کند و نماز را اعاده کند و اگر
بحد رکوع رسیده باشد البته ملتفت نشود و اگر شک کند که آیا رکوع کرده ام
در وقتی که ایستاده است رکوع را بجا می آورد و اگر بعد از رفتن بسجده شک کند
ملتفت نشود و اگر فرو رفته باشد و هنوز سر بسجده نگذاشته باشد و
شک کند محل خلاف است و احوط آنست که التفات نکرده تمام کند و احتیاطا
اعاده نیز بکند و اگر در حال نشستن شک کند که آیا سجده کرده ام یا اصلا
نکرده ام دو سجده میکند و اگر شک کند که یک سجده کرده ام یا دو سجده یک سجده
دیگر میکند و اگر بسجده دوم فرو رفته باشد و هنوز سر بسجده نگذاشته شک کند که آیا
دست سر از سجده اول برداشته بوده است یا در تک بعد از سر برداشتن را بعمل آورده
بوده است محل خلاف است و اظهر آنست که ملتفت نشود و اگر بعد از سر گذاشتن
بسجده شک البته اعتبار ندارد و اگر شک کند در سجده بعد از شروع

در برخاستن بعضی هنوز راست نه ایستاده باشد خلاف است اظهر آنست که بر می گردد
و سجده مشکوک فیه را بعمل می آورد و اگر بعد از راست ایستادن شک کند در سجده
ملتفت نمی شود و اگر کسی بعد از سر برداشتن از رکوع یا سجود شک کند در ذکر
یا در ترک کردن تعدیل یا واجبی چند که در حقیقت آنها داخل نیست اعتبار ندارد
و اگر شک کند بعد از سر برداشتن از سجود که آیا حقیقت سجود بفعل آمده است
یا اینکه در پیشانی گذاشتن که حقیقت سجود بآن حاصل می شود خللی بوده است خواه
این شک بعد از دو سجده بهم رسد یا در میان دو سجده و خواه نسبت بیک سجده باشد
و خواه دو سجده محل اشکال است و اظهر آنست که تدارک می کند و اگر اعاده نماز
نیز بکند شاید احوط باشد و اگر شک کند در سجده بعد از شروع در خواندن تشهد
اشهر و اظهر آنست که اعتبار ندارد و اگر شک کند در تشهد بعد از راست ایستادن
ملتفت نمی شود و اگر در اثنای برخاستن شک کند محل خلاف است و اظهر عدم
التفات است و شاید اعاده احوط باشد و اگر فعلی را باعتبار شک بعمل بیاورد
و بعد از آن ظاهر شود که آن فعل را پیشتر کرده بوده است اگر آن فعل رکن باشد
مانند تکبیر احرام و رکوع و دو سجده نمازش باطل است و اعاده می کند و اگر غیر رکن باشد
ضرر ندارد و اگر بعد از گذشتن از محل شک کند و برگردد و آن فعلی را که در آن شک
کرده است بجا آورد مشهور آنست که نمازش باطل است و اعاده می باید کرد و هر شکی
که بعد از فارغ شدن از نماز عارض شود خواه در رکعات و خواه در افعال

اعتبار ندارد و اگر شک کند که آیا از برای نماز ظهر مثلا نیت ظهر کرده یا نیت عصر
جمعی گفته اند که اعاده می کند و اظهر آنست که شکش اعتبار ندارد خواه در اثنای
نماز باشد و خواه بعد از نماز فصل چهارم در بیان متفرقات احکام شک
و سهو است و در آن چند بحث است اول آنکه نماز احتیاط حکم نماز اصل
دارد در شرائط که با طهارت باشد و رو بقبله و عورتش پوشیده باشد
و سائر احکام و باید که نیت بکند احوط آنست که بزبان نیت نکند و در دل
قصد کند که دو رکعت یا یک رکعت نماز احتیاط می کنم برای فریضه ظهر مثلا
برای آنکه واجب است از جهت رضای خدا و تکبیر احرام بگوید و حمد تنها بخواند
و سوره نخواند و بدل سوره حمد تسبیح نخواند و قول بجواز تسبیح ضعیف است و ظاهر
قنوت ندارد و تشهد و سلام بجا آورد و احوط آنست که نماز احتیاط را متصل
بجا آورد و در میان آن و نماز اصل چیزی صادر نشود که اگر در نماز صادر شود
بطلان نماز باشد مانند حدث و گشتن از قبله و حرف زدن عمداً و اگر سهواً سخن گوید
احوط آنست که دو سجده سهو بجا آورد و همچنین احوط آنست که منافی میان نماز
و اجزائی که فراموش شده و بعد از نماز بعمل می آورد مانند سجود و تشهد بجا نیاورد
و اگر حدثی در میان نماز اصل و نماز احتیاط یا اجزای فراموش شده واقع شود
وضو بسازد و آنها را بجا آورد و احتیاطاً اعاده نیز بکند و همچنین در هر مسئله
که بعمل آید احتیاط این است چون جمعی به بطلان نماز قائل شده اند اگرچه اظهر عدم

بطلان است دوم آنکه شک وقتی اعتبار دارد که هر دو طرف آن مساوی باشد
و اگر ظن بیک طرف غالب باشد بان عمل میکند خواه در دو رکعت اول بوده
خواه در رکعت اخیره خواه در عدد رکعات باشد و خواه در افعال بنابر مشهور
و بعضی گفته اند که در دو رکعت اول علم می باید و ظن کافی نیست و اگر در دو رکعت
اول عمل بظن کند و اعاده نیز بکند احوط است پس اگر شک در میان دو و سه باشد
و ظنش بر دو غالب باشد دو رکعت دیگر میکند و اگر بر سه غالب باشد یک رکعت
دیگر میکند و نماز احتیاط لازم نمیکند و اگر میان سه و چهار بوده باشد و ظنش بر سه غالب باشد
یک رکعت دیگر میکند و اگر بر چهار غالب باشد سلام میگوید و چیزی بر او نیست
و اگر در این صورت سجده سهو بکند احتیاطا موافق مذهب ابن بابویه علیه الرحمه بد نیست
و اگر میان چهار و پنج بوده باشد و ظنش بر چهار غالب بوده باشد سلام میگوید و اگر
بر پنج غالب باشد نمازش باطل است مگر آنکه بعد از رکعت چهارم بقدر تشهد
نشسته باشد که احوط سلام گفتن و اعاده است چنانچه پیشتر دانستی سوم
آنکه مشهور آنست که اگر شک کند واجب است تامل تا ظنش بر یک طرف غالب شود عمل بظن میکند
چنانچه دانستی چهارم آنکه هرگاه کسی شک بسیار کند حکم شک از و ساقط است
باین معنی که اگر شک در فعلی کند هرچند وقت آن فعل باقی باشد تدارک نمیکند اگر چه
[illegible] باشد و اگر شک در عدد رکعتها باشد بنا بر اکثر میگذارد مگر آنکه اقل اصح باشد
که بنا بر اقل میگذارد و مثل آنکه در نماز صبح شک کند میان دو و سه بنا بر دو که صحیح است
هر چند باشد و بنا بر اکثر موجب بطلان باشد در این صورت بنا بر اقل بگذارد ۱۲ اح دام ظله

میگذارد و اگر در جای سجده بسبب شک واجب باشد بعید نیست و اگر بعضا به
این حال عمل به احکام شک کند موافق مشهور با شروع کرده است و اگر در میان
نماز تدارک فعلی کند که باعتبار کثرت شک بآن نپردازند مشهور آنست که نمازش باطل است
و اما حدیکه چون شک او بآن حد رسد او را کثیر الشک گویند مشهور علما محل خلاف است
و اکثر حواله بعرف کرده‌اند یعنی آنقدر شک کند که در عرف گویند که او شک
بسیار میکند و این قول اقوی است و بعضی گفته‌اند که در سه نماز پی در پی شک کند
یا در یک نماز سه شک بکند و از بعضی احادیث ظاهر میشود که اگر در ... باید
که در هر سه نماز یک شک کند او کثیر الشک است چون سه نماز پی شک بکند از آن حکم بیرون
می‌آید و درین مسئله خلاف است که شکی که بسبب آن باعث حکم کثرت شک میشود آیا می‌باید
همجنسی باشد که حکمی بر آن مترتب شود از نماز احتیاط یا تدارک در محل یا سجود یا ... است
بنابر قول اخیر اگر شک بسیار کند که هر یک طرف ظنش غالب باشد یا بعد از تجاوز از
محل شک کند یا در نافله شک کند باز کثیر الشک خواهد شد و این مسئله محل اشکال است
و احوط آنست که چنین کسی اگر شکش موجب نماز احتیاط یا سجود سهو باشد بجا آورد و اگر موجب
تلافی در محل باشد بکند و احتیاطاً نماز را اعاده میکند و اگر کثیر الشک در فعل شک کند
و بجا نیاورد و بعد از گذشتن از محل آن فعل بخاطرش آید که آنرا نکرده است اگر رکن باشد
احوط آنست که نمازش را تمام کند و اعاده نیز بکند و اگر غیر رکن باشد نمازش صحیح است
و اگر سجود یا تشهد باشد بعد از نماز بجا آورد با سجده سهو احتیاطاً و اگر گذشته باشد مطلق

بعمل بنیاورد یا عمدا و سهوا مبطل شد باشند مثل آنکه رکعت را بجا آورد و اگر مبطل عمل
آورده باشد نماز را اعاده کند اینها حکم کثیر الشک بوده و اگر کسی سهو بسیار کند که اعمال
فراموش کند بعضی گفته اند که او حکم کثیر الشک ندارد و سهو و شکی که بکند احکامش را بعمل
آورد و این اقوی است و بعضی گفته اند که او نیز حکم کثیر الشک دارد و بسیار سهو با آن شکی
که شک او نیز اعتبار نداشته باشد ولیکن همه اتفاق دارند که اگر فعلی که فراموش کرده
رکن باشد نمازش باطل است اگر وقتش یعنی محل گذشته باشد و اگر وقت باقی باشد آنرا بجا
آورد خواه رکن باشد و خواه غیر رکن و اگر فعلی را فراموش کرده است که تدارک باید کرد تمام
یک سجده و تشهد بعد از نماز بجا می آورد و لیکن میگویند که سجده سهو از او ساقط میشود و ظاهر
و احوط آنست که سجده سهو را نیز بجا آورد و پنجم آنکه کسی نماز احتیاط یا افعال فراموش شده
که تدارک باید کرد یا سجده سهو را فراموش کند هر وقت که بخاطرش آید بجا می آورد و نیت
قضا ظاهرا در کار نیست و اگر در فعلی شک کند و وقتش باقی باشد و فراموش کند تدارک
آنرا وقتش بکند و اگر رکن باشد احوط آنست که بعد از اتمام نماز را اعاده کند و اگر فعلی باشد
که بعد از نماز تدارک باید کرد احوط آنست که تدارک کند و اگر سجده سهو داشته باشد بکند و اگر
شک کند در فعلی که وقتش باقی باشد و باید که آن فعل را بکند و باز شک کند که آیا آن را
کرده ام یا نه کرده ام ظاهر آنست که اگر وقت باقی است باید که بکند و اگر اعاده نماز نیز
کند بهتر است که اولی باشد ششم آنکه در نماز احتیاط یا سجده های سهو یا افعال فراموش
کرده بعد از نماز شک کند که آیا بجا آورده ام یا نه ظاهر آنست که واجب است که بجا آورد و اگر

در رکعات نماز احتیاط یا در افعال آن یا در سجده و سجدهٔ سهو یا در افعال اینها یا در
افعال اجزای فعالیکه تدارک میکند شک کند شک سهو بیان شد است که التفات به
شک نمیکند و بنا بر طرف صحیح میگذارد مثل آنکه شک کند در رکعت نماز احتیاط که
یکی کرده ام یا دو بنا بر دو میگذارد و اگر شک کند میان دو و سه بنا بر دو میگذارد
که صحیح است و اگر در رکوع یا سجده شک کند و وقتش باقی باشد تدارک نمیکند و اگر در
سجده های سهو میان یک و دو شک کند بنا بر دو میگذارد و اگر آنچه محلش باقی باشد
بجا آورد و اعاده نیز بکند احوط است و اگر یقین داند که شکی در نماز کرده بود که موجب
نماز احتیاط بود و شک کند که آیا شک میان سه و چهار بود یا دو و چهار گفته اند که
هم دو رکعت ایستاده میکند و هم دو رکعت نشسته و از حدیث معتبری مستفاد میشود
که اگر کسی شکی کند در نماز که موجب اعاده باشد یا در اعاده نیز شکی بکند آن شک اعتبار ندارد
و اکثر علما قائل نشده اند باین و اگر چنین نماز را نیز اتمام کند و اعاده نیز بکند احوط است
هفتم آنکه اگر یقین داند که سهوی در نماز کرده و نداند که سهو او در سجده واحد بود یا
تشهد احوط آنست که هر دو را بجا آورد و دو سجده سهو بکند و اگر نداند که رکوع بود
یا یک سجده احوط آنست که یک سجده را با سجده سهو بکند و اعاده نیز بکند هشتم آنکه
اگر فعلی از افعال نماز احتیاط یا سجده های سهو یا فعل فراموش کرده را فراموش کند
در وقتی بخاطرش آید که وقت آن فعل باقی باشد تدارک میکند و اگر بعد از گذشتن وقت
بخاطرش آید احوط در نماز احتیاط آنست که احکام نماز اصل را در آن رعایت کند

از تدارک یا فات دو سجده سهو و در سجده فراموش شده اگر بعد از سر برداشتن
بخاطرش آید که فلان از افعال واجب آن سجود را ترک کرده است تدارک در کار نیست
و اگر در تشهد بخاطرش آید که سجده دوم را بجا نیاورده است بجا آورد و دو سجده
سهو کند اگر بخاطرش آید که هر دو سجده را ترک کرده است باز دیگر بکند و اگر بخاطرش آید
که یک سجده را ترک کرده است اگر پیش از شروع در تشهد بخاطرش آید از انجا بجا آورد
و اگر بعد از شروع در تشهد باشد احوط آنست که از انجا بجا آورد و دوباره دیگر سجده را
اعاده نیز بکند و اگر واجبی از واجبات سجده را فراموش کرده باشد اگر پیش از سر برداشتن
بخاطرش آید احوط آنست که سجده را تمام کند و اعاده نیز بکند و سجده سهو در خللی
که در سجده سهو واقع شود لازم نمی شود و هم شک ماموم یا امام با یقین دیگری اعتبار
ندارد و عمل بیقین او میکنند مثل آنکه امام شک کند میان سه و چهار و ماموم جزم
داشته باشد بسه میباید که امام را خبر دهد که تا اینجا شده است باید که امام را مطلع کرده
بانکه سه مرتبه سبحان الله یا الله اکبر بگوید تا امام بداند که او جزم بسه دارد و پس
امام واجب است که بقول او عمل کند هر چند ماموم یکی باشد و فاسق باشد هر چند از گفته او
امام را ظن حاصل نشود و همچنین اگر ماموم شک کند میان یک و دو مثلا و امام یقین دارد
که دو است تابع امام میشود و شک خود را اعتنا نمیکند و همچنین اگر یکی از ایشان شک داشته
باشد و دیگری ظن بیشتر داشته باشد اقوی آنست که صاحب شک رجوع بصاحب ظن میکند و اگر یکی
از امام یا ماموم یقین داشته باشد و دیگری ظن بیشتر آنست که صاحب ظن رجوع بصاحب

یقین میکند و در صورت بعضی از متاخرین میل کرده اند باینکه از همه احتیاط ...
ظن یا ظن خود و حسب ... عمل میکند و اگر هر دو تغییر ...
... میکند مثل آنکه امام یقین دارد که چهار رکعت کرده است و ماموم یقین دارد
که سه رکعت کرده است از یکدیگر جدا میشوند و امام تشهد میخواند ...
قصد انفراد میکنند و بیک رکعت دیگر میکنند و همچنین اگر هر یک ظن بر خلاف
مظنون یکدیگر داشته باشند همچنین میکنند و هر یک بظن خود عمل میکنند و اگر هر دو شک داشته
باشند خالی ازین نیست که شک ایشان موافق است یا مخالف یکدیگر اند در شک و
صورت دوم با امام ... که در میان سهوهای ایشان ... خالی ازین نیست
که ... متفق اند در شک یا مختلف اما اول که متفق باشند اگر شک ایشان مبطل است
مثل شک میان یک و دو نماز را از سر میگیرند بجماعت یا منفرد و اگر مبطل نباشد
عمل بحکم آن شک میکنند مثل آنکه همه شک کرده اند میان سه و چهار بنا بر چهار میگذارند
و نماز را تمام میکنند و دو رکعت نماز احتیاط میکنند و دور نیست که اگر نماز
احتیاط را تنها بکند و بجماعت نکنند احوط باشد و اما آنکه مختلف باشند در شک
داشتن پس هر دو رجوع بان امر مشترک می کنند و نماز را تمام میکنند مثل آنکه امام شک
میان دو و سه داشته باشد و ماموم میان سه و چهار پس مشهور و اقوی آنست که چون
هر دو احتمال سه شریک اند بنا بر سه میگذارند و نماز را تمام می کنند بدون نماز
احتیاط و اگر امام شک میان دو و چهار داشته باشد و ماموم میان دو و سه و چهار پس ...

مسئله [illegible] اگر شک میان سه و چهار است بنا بر چهار میگذارد و بعد از سلام دو رکعت نماز
[illegible] بنشسته میکند و اگر در این دو صورت اعاده نیز بکند شاید احوط باشد سوم آنکه با ماموم
[illegible] اختلاف داشته باشند اگر یکی شاکّ است در میان ایشان جمع نمی کنند مثل آنکه
امام شک کند میان سه و چهار و بعضی از ماموان شک کند میان دو و چهار و بعضی میان چهار
و پنج پس بنا بر چهار میگذارند و اگر هر شکی که هست جدا میشوند و هر یک عمل بشک خود میکنند
و اگر در این دو صورت اعاده نیز بکنند احوط است و بدانکه در جمیع این احکام فرقی نیست میان
آنکه شک ایشان در رکعتهای نماز بوده باشد یا در افعال و میان آنکه شک یکی مبطل نماز بود
باشد یا نه مشهور میان علما آنست که اگر امام کاری بکند که موجب سجدهٔ سهو باشد
و ماموم آن کار را نکند سجده بر امام واجبست و بر ماموم واجب نیست و بعضی از علما قائل
شده اند که بر ماموم نیز واجبست و عمل باین قول احوط اگرچه اول اقوی است و اگر
برعکس باشد که ماموم کاری بکند که سبب سجدهٔ سهو باشد و امام نکند در این مسئله شکی نیست
که بر امام چیزی واجب نیست و اشهر آنست که ماموم عمل بسهو خود میکند و سجدهٔ سهو بعمل می آورد
و جمعی از علما گفته اند که بر ماموم نیز لازم نیست و اول اظهر و دوم احوط است و اگر
هر دو سهو کرده باشند شکی نیست که هر دو عمل بمقتضای سهو میکنند یازدهم
اگر کسی شک کند در نماز خواه در رکعات و خواه در افعال اگر دیگری که امام و ماموم
نباشد او را خبر دهند باحد طرفین شک او مثل آنکه شک کند میان سه و چهار و دیگری
که نماز نکند با او بگوید که سه رکعت کرده اگر او را ظنی از گفته او حاصل میشود بنا بر آن میگذارد

اگرچه فاسق یا طفل باشد و اگر ظن حاصل نشود حکم شک [illegible] اگرچه [illegible]
عادل باشد علی الاقوی دوازدهم اگر در نافله شک کند در عدد رکعات مخیر است
میان آنکه بنا بر کمتر گذارد و یا بنا بر بیشتر [illegible] بنا بر کمتر گذارد
و اگر در نافله امری واقع شود که اگر در فریضه واقع شود موجب سجده سهو باشد سجده سهو
لازم نمی‌شود و جمعی از متاخرین گفته‌اند که فرقی که میان نافله و فریضه هست در همین
دو چیز است ولیکن از احادیث معتبره و از کلام قدمای علما فرقهای دیگر ظاهر
می‌شود اول آنکه زیادتی رکن در نافله باعث بطلانش نمی‌شود چنانچه در حدیث
صحیح معتبر از حضرت صادق صلوات الله و سلامه علیه منقول است که اگر کسی در نماز
نافله سهو کند و تشهد نخواند و به رکعت سوم برخیزد و بعد از رکوع بخاطرش آید
رکوع را بگذارد و بنشیند و تشهد بخواند و سلام بگوید و شروع در نماز بعد از آن بکند
دوم آنکه از کلام جمعی ظاهر می‌شود که اگر رکنی را در نافله فراموش کند تا برکن دیگر
داخل شود برمی‌گردد و آن رکن را بعمل می‌آورد و اعمال را بعد از آن باز بعمل می‌آورد و تنها
که باین قول در فریضه قائل نشده‌اند و احادیث را حمل بر نافله کرده‌اند سوم آنکه
سوره در نافله اتفاقا واجب نیست و در فریضه مختلف فیه است و همچنین نافله را در حال
اختیار نشسته و در راه رفتن و سواره می‌توان کرد و فریضه را بی ضرورت شرعی
بااین احوال نمی‌توان کرد و ابن عقیل خواندن حمد را در نافله نیز لازم نمی‌داند و بیوجه نیست
و بعضی دست ایستادن در سر برداشتن از رکوع و نشستن در سر برداشتن

از سهو یا عمداً فاما [illegible] بجا آورند و خلاف احتیاط است اگر چه شیئی فی الجمله ولایتی
[illegible] میکند احوط آنست که همه آداب و تعقیب را در نافله رعایت کند [illegible] سیم
[illegible] آنکه چیزی که در نماز فراموش کرده باید بجا آورد مانند سجود و تشهد
همچنین در سجده سهو [illegible] قربة قصد ادا میکند و اگر در خارج وقت کند
قصد قضا میکند و این سخن محل نظر است و ظاهر نیت ادا و قضا در اینها در کار
نیست فصل پنجم در بیان احکام سجده سهو و سببی چند است که باینها واجب میشود
وان مشتمل بر چند فائده است فائده اول در بیان موجبات سجده سهو است بدانکه آنها
نه چیز اند که بعضی اتفاقی است و بعضی اختلافی اول سخن گفتن به دو حرف یا زیاده
یا یک حرف تام الفائده است که دعا و ذکر و قرآن نباشد و در این که این موجب سجده سهو است
خلاف صریح میان علما نیست و احادیث بسیار بران دلالت میکند دوم شک
میان چهار و پنج است در نماز چهار رکعتی چنانچه گذشت و اگر چه در این فی الجمله خلافی نقل
کرده اند اما نادرست و احادیث بسیار براین دلالت کرده است و بعضی در شک میان
چهار و شش یا زیاده نیز قائل بسجده سهو شده اند و مشهور بطلان نماز است چنانچه گذشت
سوم آنست که تشهد اول را فراموش کند و بعد از رکوع بخاطرش آید چنانچه گذشت
و علامه رحمه الله در فراموشی تشهد دوم نیز قائل بسجده سهو شده اند چنانچه مذکور شد
چهارم آنست که یک سجده را فراموش کند و بعد از رکوع متذکر شود و بنا بر مشهور
چنانچه گذشت پنجم سلام گفتن بیموضع است و بر این نقل اجماع کرده اند اگر چه خلافی

نیز ظاهر میشود و کلینی رحمه الله بعدم وجوب قایل شده اند و احوط [illegible]

ششم ایستادن است در جائیکه باید نشست و نشستن در جائیکه [illegible]

قول جمعی از علما و احوط آنست که ترک نکند [illegible]

واقع میشود و بعضی سجده سهو واجب دانسته اند و بعضی تخصیص [illegible] داده اند و

اعم از واجبات و مستحبات گفته اند و ابن جنید از مستحبات خصوص قنوت را قایل شده است

که اگر سهوا ترک کند موجب سجده سهو است و ابو الصلاح لحن در قراءت را که غلط نحوی

یا حروف را از مخرج ادا نکند سهوا موجب سجده سهو دانسته است و رعایت این قول

احوط است اگرچه عدم وجوب اقوی است هشتم شک میان سه و چهار است با غلبه

ظن چنانکه ابن بابویه رحمه الله قایل شده است که بنا بر چهار میگذارد و سجده سهو میکند

و چون دو روایت معتبر بر این دلالت کرده است احوط عدم ترک است بلکه در هر شکی که

در رکعات که ظن غالب شود بر زیاده احوط سجده سهو است موافق بعضی از روایات

نهم آنست که شک کند میان زیاده و نقصان فعلی مثل آنکه شک کند که آیا سه سجده کرده ام

یا یک سجده و داند که یکی از اینها از و صادر شده است و این شک بعد از فوت شدن

محل تدارک باشد دو سجده سهو میکند بنا بر مذهب بعضی از علما و مدلول حدیث شامل

زیادتی و نقصان رکعات نیز هستند لهذا ما در صورت هشتم شک رکعات است

سجده سهو را احتیاطا ذکر کردیم و اگر چنین شکی در رکن بکند اظهر آنست که نماز باطل است

مثل آنکه شک کند میان آنکه دو رکوع کرده ام یا در اصل رکوع نکرده ام زیرا که

... میان و صفوت که هر دو مبطل نماز است و شیخ مفید از برای سجده سهو
... کرده است و از کلام او ظاهر میشود که مبطل نمیداند
... احتیاطاً تمام کند و سجده سهو بکند و اعاده
نیز بکند ... و در غیر صفوت رکن وجوب سجده نهایت قوت دارد و باید
که ترک نشود قاعده دوم اگر کسی چند موجب سجده سهو از و واقع شود خلاف است
که آیا یکی کافی است یا بعدد هر یک دو سجده باید کرد و اگر چه اول اقوی است ولیکن
احوط آنست که از برای هر یک جدا دو سجده بکند و اولی آنست که بترتیب آنچه فوت
شده بعمل آورد و نیت بکند که دو سجده سهو میکنم برای فلان سهو که در فلان
نماز واقع شده است از جهت آنکه واجب است برای رضای خدا و در غیر سجده اول
و در سایر سجده های احتیاطی بقصد قربت اکتفا کنند و مشهور میان اصحاب آنست که
می باید بعد از نماز فوراً بعمل آورد و بعضی مستحب میدانند و این اظهر است و اولی احوط
در باید کرد سخن نگوید میان نماز و آن سجده چنانچه احادیث بر آن دلالت کرده است
و اکثر واجب میدانند و احوط آنست که مطلقاً منافی نماز را در میان بعمل نیاورد
و اگر بعمل آورد یا تاخیر کند از و ساقط نمیشود و نمازش نیز باطل نمی شود و همیشه
واجب است که بعمل آورد بنا بر مشهور و اقوی و بعضی گفته اند که واجب است که در وقت نمازی
که سجده سهو از برای آن میکند بکند و اگر در وقت آن نماز نکند اداست و اگر وقت بیرون
رود قضا میشود و سابقاً گفتیم که نیت قضا و ادا در کار نیست و اگر فوراً بعد از نماز

بجا آوردن که نیت بگوید ظاهر آنست که بکند ... با خوف گفته باشد بهتر آنست که نیت ادا و قضا نکند و بعد ... برای نماز قضا کند نیت قضا کند و آن نیز ثابت نیست ... لازم نیست ادا و قضا و مشهور و اقوی آنست که محل سجده سهو مطلقا بعد از سلام است خواه از برای زیادتی باشد و خواه از برای نقصان

فایده سوم در بیان کیفیت سجده سهو است علما گفته‌اند که در سجده سهو واجبست نیت کردن و بر هفت اعضای مقرره سجده کردن و طمانینه ... در هر سجده و سر برداشتن از سجده اول و بعضی گفته‌اند که آنچه در سجده نماز واجبست در اینها واجبست از درست نشستن بعد از سجود و پوشانیدن عورت و با وضو بودن و بقبله کردن اگرچه بحسب دلیل ثابت نیست اما احوط آنست که همه را رعایت کنند و شیخ طوسی علیه الرحمه تکبیر پیش از سجده ذکر کرده است و بعضی گفته‌اند که سنت است و اگر موافق روایتی که در باب سجود سهو پیشتر واقع شده است در اول و بعد از سر برداشتن از هر سجده تکبیر بگوید شاید احوط باشد و اظهر آنست که در کار نیست و اکثر علما تشهد و سلام و ذکر سجده را واجب میدانند و بعضی ذکر را مستحب میدانند و در تشهد خلافست که آیا البته تشهد صغیر می‌باید خواند یا تشهد کبیر که در نماز میخوانند و احوط آنست که اکتفا نماید به تشهد صغیر باینکه بگوید اَشهَدُ اَن لا اِلهَ اِلّا الله وَ اَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ الله اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّد بعد از آن سلام بگوید و احوط آنست که ذکر هر سجده بگوید بِسمِ الله وَ بِالله اَلسَّلامُ عَلَیکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ

[illegible] واگر بگوید بسم الله وبالله وصلی الله علی
[illegible] نیز خوب است و ظاهرا مطلقا ذکر کافی باشد خاتمه در
بیان [illegible] چند وجه میشود اول آنست که تفکر کند
در عظمت [illegible] خود و بداند که خداوند عظمی را بندگی میکند که بر خفایای اعمال او
مطلع است و کسی بغیر او قادر بر ضرر و نفع او نیست و حیات [illegible] روزی و عزت
و کرامت دنیا و آخرت او بدست اوست و نعمتهای غیر متناهی هر لحظه بر او دارد
و تفکر کند در احتیاج خود بسوی آن خداوند و بندگی او و در عظمت نعمتهای آخرت
و پستی لذات دنیا و شدت عقوبت آخرت پس اگر در این معنی تفکر صحیح بکند موجب
قطع علائق و قلت وساوس شیطانی میشود و دلش متوجه جناب مقدس الهی میشود
و چون دل متوجه خدا باشد شک و سهو از او واقع نمی شود و این معنی را در کتاب
عین الحیوة فی الجمله بسطی داده ام و این رساله مختصر گنجایش آن ندارد دوم آنکه
پناه ببرد بجناب مقدس الهی از شر شیطان و استعاذه حقیقی بجا آورد مانند
کسی که از انواع درندگان گریخته پناه به بزرگ قادری ببرد و دامان طلب [illegible]
در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که مردی
حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله آمد و گفت یا رسول الله بتو شکایت میکنم از آنچه
بمن میرسد از وسوسه‌های شیطانی در نماز خود حتی آنکه نمیدانم که چه مقدار نماز کرده‌ام
از کم و زیادتی حضرت فرمود که چون خواهی که داخل نماز شوی انگشت شهادت

دست راست را بر ران چپ بگذارد و بگوید بسم الله و بالله
الله اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم ...
ها از خود دور کند سوم آنست که چون نماز خود را ...
نگاه دارد چنانچه در حدیث معتبر منقول است که شخصی بحضرت امام جعفر صادق
علیه السلام شکایت کرد از بسیاری شک فرمود که عدد نماز خود را بسنگریزه
نگاه دارد در حدیث معتبر دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت عرض کرد که بسیار
شک میکنم و نمی توانم حساب نماز خود را نگاه داشت که بانگشتر که از انگشت یا بگشت
بگردانم فرمود که باکی نیست و در حدیث معتبر دیگر فرمود که باکی نیست کسی که نماز
خود را بشمارد بانگشتر یا بسنگریزه چند که در دست گیرد و بشمارد چهارم
آنست که نماز را بسیار طول ندهد و سبک بجا آورد و سوره های کوتاه بخواند
چنانچه در حدیث صحیح منقول است که شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام
شکایت کرد که سهو در نماز شام بسیار میکنم فرمود که نماز را بقل هو الله احد
و قل یا ایها الکافرون بجا آور و راوی گفت که من چنین کردم شک از من بر طرف شد
و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول است که سبک است نماز را سبک بجا آورد
از جهت سهو و در حدیث موثق منقول است که شخصی بآنحضرت عرض کرد که شک
بسیار میکنم فرمود که نماز را تند بکن راوی گفت که چگونه تند بکنم فرمود که سه
در رکوع و سجود دیگر بگو یعنی سبحان الله و در هر یک بگو یا تسبیح بزرگ و مجموع یک

[illegible] پنجم آنست که نماز را با جماعت بجا آورد که
[illegible] اگر [illegible] همه دیگر نگید یابد و رحمت الهی بر همه نازل میشود
[illegible] برابر لشکرهای شیطان ایستادن موجب
انهزام عساکر شیاطین میگردد و لهذا شیطان در منع نماز جماعت زیاده از سایر اعمال
سعی مینماید و تا مقدور است او را شبهها در خاطر می‌اندازد که ایشان را
از این فضیلت محروم گرداند و استیلای او بر ایشان باقی باشد حق تعالی جمیع مومنان
در سایر احوال از شر او محفوظ دارد بمحمد و آله الطاهرین باینجا ختم شد این رساله
عجاله در مشهد مطهر منور امام المومنین و مولی المسلمین و بضعه سید المرسلین علی
بن موسی الرضا صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین و اولاده المعصومین در دوازدهم
ماه ذی القعدة الحرام از سال هزار و هشتاد و پنجم از هجرت
الحمد لله اولاً و آخراً و صلی الله علی محمد و آله المقدسین